



روزنامه جوان | شماره ۵۱۹۹ |

آسیب‌شناسی ورود سرمایه‌گذاران به فوتبال در گفت‌وگو ی «جوان» با امیررضا واعظ آشتیانی، مدیرعامل اسبق استقلال

## پولشویی و رانت‌خواری برخی سرمایه‌گذاران را به فوتبال می‌کشاند



**گفت‌وگو**
**سعید احمدیان**
**هدایتی، بابک**
**پس از حسین**

مه‌آفرید خسروی و...، حالا حمیدرضا جبهانیان، مالک جدید باشگاه نفت طایبه جدیدترین ثروتمند و سرمایه‌گذاری است که با خریدن امتیاز نفت تهران وارد فوتبال شده است؛ سرمایه‌گذارانی که شائبه‌های زیادی دربارهٔ حضورشان در فوتبال وجود دارد و برای برخی از آنها فوتبال سرانجام خوشی نداشته و خیلی از این ثروتمندان به واسطه فعالیت‌های اقتصادی‌شان در حال حاضر پشت میله‌های زندان هستند یا اعدام شده‌اند البته باشگاهشان را هم با مشکلات زیادی روبه‌رو کرده‌اند. به بهانهٔ ورود مالک واعظ آشتیانی، مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال، به آسیب‌شناسی ورود چنین افرادی به فوتبال پرداخته‌ایم.

جناب واعظ آشتیانی! می‌خواهیم دربارهٔ ورود شائبه‌برانگیز برخی سرمایه‌گذاران به فوتبال صحبت کنیم، چرا برخی سرمایه‌شان را با خرید امتیاز باشگاه وارد این عرصه می‌کنند؟
من خودم باورم این است که سرمایه‌گذاری در فوتبال ایران توجیه اقتصادی ندارد و این واقعیتی است. اگر فردی می‌خواهد در ورزش و در فوتبال سرمایه‌گذاری کندو به دنبال سود باشد، این یک فکر بیهوده و اشتباهی است. باین حال اگر کسی آمده و علاقه‌مند است که با ورود به این عرصه کمک‌ب‌ورزش بکند، این جای قدرتی دارد ولی به شرط اینکه افرادی که می‌آیند سرمایه‌گذاری کنند، مطالعه دقیق داشته باشند. به گونه‌ای نباشد که یک فرد مدتی در فوتبال با هر رشته دیگری تیمداری کند و در ادامه به دلیل معضلات مالی و مسائل دیگر، کار راها کند. این خودش صدمه اقتصادی هم به سرمایه‌گذار می‌زند و هم بدبینی را برای کسانی که می‌خواهند در آینده سرمایه‌گذاری کنند به وجود می‌آورد. اینکه برخی از این افراد به چه نیتی وارد فوتبال می‌شوند، به خود آنها برمی‌گردد و ما نمی‌توانیم راجع به افراد پیشدواری بکنیم که اینها به نیت جالبیطی و شهرت و احیاناً خدای نکرده پولشویی و از روی ناآگاهی وارد فوتبال می‌شوند.

یعنی به عقیده شما موفق نشدن این افراد در فوتبال به حضور هیجانی و بدون مطالعه‌شان بر می‌گردد؟
اما این ورود و سپس یا پس کشیدن این سرمایه‌گذاران مشکلات جدی برای فوتبال به وجود آورده و نمونه آن تیم‌هایی مانند داماش و راه‌آهن است که مالکشان در برهه‌ای از زمان مه‌آفرید خسروی و بابک زنجانی بودند، اما پس از مشکلاتی که برای

**گزارش**
**شیوانوروزی**

### نگاهی به حضور سرمایه‌داران در فوتبال ایران

## از امیدواری جناب عابربانک تازندانی شدن بدهکار نفتی

تب‌شهرت‌ومحبوبیت‌های‌زودگذر بی‌سیاری از سرمایه‌داران جهان راه مستطیل سبز کشانده است. در ایران نیز مستطیل‌افراد متمولی که روزبه‌روز بر میزان دارایی‌هایشان اضافه می‌شود و تنها کمبود زندگی آنها مشهور نبودن در سطح جامعه است.

■ **پشیمانی سودی ندارد**

اغلب سرمایه‌دارانی که در به‌در دنبال شهرت می‌گردند با مشورت گرفتن از برخی افراد سر از فوتبال درمی‌آورند. فوتبالی بی‌در و پیکر که اعتباری به‌بازگشت سرمایه‌شان در نیست. در چنین اوضاعی علی‌انصاری با ورودش به استقلال و عضویتش در هیئت مدیره آبی‌ها همه توجهاش را به خود جلب کرد. این فعال اقتصادی که پیش از آن در فدراسیون دوچرخه‌سواری حضور داشت و رئیس این فدراسیون بود، ترجیح داد شانسش را در فوتبال هم امتحان کند. مالک بازار مبل، رئیس اتحادیه مبل‌سازان تهران، مالک بازار موبایل و بانک منچلر نفت پس از آنکه بخش اعظم بودجه‌ای‌ها را تأمین کرد و با اوضاع نابسامان فوتبال کشورمان آشنا شد به این نتیجه رسید که از این‌سپس پول‌هایش را صرف کارهای اقتصادی‌اش کند. سرویس محبوبی یکی دیگر از چهره‌هایی است که به‌رم‌هزینه‌کردن در فوتبال به در بسته خورده است. او که به عنوان



**د**

**افراد** **ی** **که** **به** **عنوان** **سرمایه‌گذار** **وارد** **فوتبال** **می‌شوند** **کمتر** **بین** **آگاهی‌ها** **را** **انسیب** **به** **اقتصاد** **پیرامون** **ورزش** **و** **موضوع** **مدیریت** **ورزشی** **دارند** **و** **نگاه حرفه‌ای در برنامه‌ها** **پیشان** **برای** **حضور** **در** **فوتبال** **دیده** **نمی‌شود**. **متأسفانه** **این** **یک** **چالش** **جدی** **است**

**سرمایه‌گذار با علم به اینکه در آمدی نمی‌تواند داشته باشد وارد فوتبال می‌شود؟**

ندانستن مدیران کاربلد در این عرصه از دیگر چالش‌های سرمایه‌گذاری در فوتبال است چون افرادی که به عنوان سرمایه‌گذار وارد فوتبال می‌شوند کمتر بین آگاهی‌ها را نسبت به اقتصاد پیرامون ورزش و موضوع مدیریت ورزشی دارند و نگاه حرفه‌ای در برنامه‌هایشان برای حضور در فوتبال دیده نمی‌شود. متأسفانه این یک چالش جدی است، سرمایه‌گذاری که به فوتبال ورود پیدا می‌کند، تصور می‌کند هر مدبری که چند

**روزشهر**

سرویس ورزشی، ۸۸۴۹۸۴۳۴

بباندند امروز که پایه این عرصه می‌گذارند، توقع سوددهی و در آمد نباید داشته باشند، بلکه باید تنها هزینه کنند. اگر باور به هزینه کردن دارند، کسی نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد. نکته مهم‌تر اینکه نگاه بدبینانه مطلق را نسبت به سرمایه‌گذارانی که وارد فوتبال می‌شوند، نداشته باشیم. شاید فردی علاقه‌مند باشد و پول هنگفتی را در فوتبال هزینه کند، هر چند به ندرت چنین افرادی پیدا می‌شوند.

**نقش رسیدن به شهرت را هم البته در ورود چنین افرادی نباید نادیده گرفت.**

قطعاً، بوده‌اند افراد با گروه‌هایی که مبالغ زیادی در هزینه کرده‌اند که مشهور شوند و از کنار شهرتشان از رانت بهره ببرند و این بعید نیست. به هر جهت در تمام دنیا ورزش و تبلیغات مربوط به ورزش از موقعیت ممتازی در بین جوامع و مردم جهان به لحاظ کسب شهرت برخوردار است. به جرئت می‌توان گفت که ورزش امروز از برخی‌ها ثروت زیادی دراندولی علاقه‌مند هستند

که در کنار ثروت زیاد به شهرت هم برسند و به همین خاطر حاضرند مبلغی را تحت عنوان باشگاه‌داری و... هزینه کنند و به یک شهرتی برسند. باین حال کاش این سرمایه‌گذاری حتی به قصد شهرت هم اگر هست، تداوم داشته باشد. آمدن و رفتن‌های مقطعی بدبینی و اثر منفی برای سرمایه‌گذاران اتی خواهد داشت.

**برای ورود یک سرمایه‌گذار کسی که کمک حال فوتبال باید باشد، فدراسیون فوتبال و دولت چه زمینه‌ای را باید آماده کنند تا این فوتبال بدون دخالت سرمایه‌اش وارد فوتبال شود؟**

فدراسیون‌های ورزشی از جمله فوتبال باید تعریفی برای کسانی که می‌خواهند باشگاهداری کنند، داشته باشند. به صرف اینکه کسی بپاید امتیاز یک باشگاه را بگیرد و در لیگ برتر بماند، این منطق ندارد. بینه و توان مالی این افراد، امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری باشگاه مورد بررسی قرار بگیرد و در عین حال چون شخصیت حقوقی یک باشگاه را می‌خرد، باید این شخصیت حقوقی از زبانی مالی شود که آياشتر کتبی که می‌خواهد باشگاهداری کند،

تراز مالی آن مثبت بوده، دیون آن چگونه است و... اینها مسائلی هستند که فدراسیون‌ها باید برنامه و آیین‌نامه‌ای برای آن داشته باشند. متأسفانه می‌بینید که یک کارخانه‌ای می‌آید تیمی ورزشی را در لیگ برتر راه‌اندازی می‌کند و فدراسیون‌ها راحتی می‌پذیرند و هیچ‌کس در معیار و مقرراتی که این تعیین کنند، وجود ندارد. مشکلات مالی یک طرفه وجودنداشتن مقررات و نظارت نداشتن طرف دیگر، دست به دست هم می‌دهد، سرمایه‌گذاران وارد ورزش شوند و حضور برخی از آنها مشکلاتی را برای ورزش به وجود بیاورد.

بود و پس از زندانی شدن او تیم ریشه‌دار راه‌آهن با پشت سر گذاشتن بحران مدیریتی به دسته یک سقوط کرد. حمیدرضا مسعودی ر از زمانی که یکی از پیمانکاران شهرداری بود به یکباره از باشگاه پرسپولیس سردرآورد و خیلی‌سود و در کمال ناباوری به عنوان مدیرعامل باشگاه انتخاب شد! او که یکی از مردان سرمایه‌دار ایران محسوب می‌شود، در حالی همه‌کار سر خوششان شد که این باشگاه را با مشکلاتی مواجه کرد. از جمله موارد مهمی که در دوران مدیریت چند هفت‌های او اتفاق افتاد، ملاقات سیاسی با یک ضدانقلاب معلوم‌الحال در اسپانیا بود؛ خبری غیرقابل باور که از سوی نهادهای رسمی تأیید شد. دستگیری جنجالی او سروصدا زیادی در جامعه‌ها اعلام شد، اما پس از چهار ماه کوثر، گروه صنعتی ایران خودروی تریز و هواپیمایی اتاایر همه‌کاره تیم گسترش فولاد شد تا آن‌دی که سرمایه‌اش را صرف این تیم در لیگ برتر کند. نزوی اگر چه یک استادبوم اختصاصی را در اختیار گسترش قرار داد، اما او به عنوان یکی از بدهکاران بانکی در سال ۹۱ راهی زندان و با قرار وثیقه آزاد شد. میلیارد در افسانه‌های ارتباط بسیار نزدیکی با رئیس جمهور وقت داشت.

زنجانی با اینکه این روزها به عنوان بدهکار بزرگ نفتی شناخته می‌شود، اما در زمان مدیریت روپایان این فرد سراسر از پرسپولیس درآورد و حتی یک هواپیمای اختصاصی (قسمت‌ی‌ا) را برای قرمزها رنگ آمیزی کرد. زنجانی فعالیت‌های پیچیده‌ای در زمینه‌های نفت، هواپیمایی، ساخت‌وساز و... داشت. علاوه بر این او را باید مسبب اصلی به فقیرا رفتن باشگاه قدیمی راه‌آهن خواند. خرید امتیاز راه‌آهن و سپردن آن به شرکت لوازم بهداشتی سورپنت از دیگر فعالیت‌های فوتبالی بابک زنجانی

چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۶ | ۶ محرم ۱۴۳۹ |

### نگاه

**دنیاچیدری**

ورزش پیش‌ترها با توفق لوطی‌ها بود و آنهایی که رؤیای پهلوانی در سر می‌پروراندند. هر که هم وارد می‌شد، باید هم‌رنگ جماعت می‌شد، یعنی دنبایش باید ورزش‌باز، چه قفصش ورزش کردن بود، چه نیتش

تماشا یا حمایت. امروز قاعده به طور کلی تغییر کرده است. ورزش دیگر شباهتی به سال‌های دور ندارد. زمان‌هایی که خانواده‌ها فرزندان خود را برای یادگیری فنون پهلوانی به ورزش تشویق می‌کردند و آنها هم که صرفاً نظاره‌گر بودند، سعی داشتند مرامشان بی‌شبهت به پهلوانان نباشد تا ارج و قربی داشته باشند و در شهر احترام دیگران را برای خود ببرند. امروز ورزش مثل سالن‌مدا یا صحنه نمایش شده است. ورزش امروز نه جایی برای ترویج فرهنگ سلامت، پهلوانی، مرام و معرفت که بیشتر جایی برای خودنمایی، دیده‌شدن و به شهرت رسیدن است. نه آن‌که دیگر خبری از پهلوانان و قهرمانان نباشد. نه، هنوز هم خوب که به گوشه و کنار آن نگاه کنیم، می‌بینیم آنهایی را که نیت‌شان از کام برداشتن در این راه رفتن به راه پهلوانان و یادگیری مرام، معرفت و تضمین سلامت خود و حتی افتخار آفرینی برای کشور عزیزشان است، اما بسیاری هم هستند که با اهداف و نیت‌هایی دیگر وارد می‌شوند؛ نیتی که هیچ سختی‌ی باصل وجودی ورزش ندارد!

اینها اگر چه وصله ناجور ورزش باشد هم ناچار به ترک این عرصه می‌شوند، آن هم با به‌جا گذاشتن پرونده‌هایی پر حاشیه و سیاه. اما سال‌هاست که به لطف جیب پر پولی که دارند و به واسطه رازینی با مدیران و افراد ناآکار آمد و نالایق، پاشان به ورزش باز می‌شود. در واقع می‌توان به جرئت گفت که ورزش طی سال‌های اخیر به فوتبال‌گما متمولان شهرت‌طلب تبدیل شده است. افرادی که با بهانه‌هایی چون عشق به فوتبال یا حتی یک تیم خاص و یا ادعای کمک‌آورد می‌شوند، اما نیتی جز رسیدن به شهرت ندارند و ورزش برایشان دستمایه‌ای بیش برای رسیدن به اهدافی که در سر می‌پروراند، نیست.

البته خیلی هم نمی‌شود به این عده خرده گرفت؛ اینکه به عشق دیده‌شدن و با بهانه‌هایی واهی خود را به ورزش نزدیک می‌کنند تا دیده شوند و به شهرت برسند. ایراد را در واقع باید به آنهایی گرفت که به چنین اشخاصی اجازه ظهور و خودنمایی می‌دهند و برایشان فرش قرمز پهن می‌کنند. آنها که خام حرف‌های فریبنده و وعده‌های گول‌زنک متمولان فرصت‌طلب می‌شوند بررق سکه‌های آنها چنان مستحش می‌کند که چشم بر واقعیت می‌بندند و کور کرانه راه را برای جولان آنها بازی می‌گذارند. افرادی که البته همیشه هم برزی رسیدن به شهرت وارد ورزش پولداری با نیت استفاده‌های شوم از ورزش به این سمت و سوی نمی‌آید. می‌کشاند نیت‌های کثیفی که باید برابرش ایستادگی کرد تا ورزش را به آلودگی نکشاند.

نظارت نهادهای امنیتی و حساسیت آنها در این راستا می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد. شاید اگر در همین نهادهای نظارتی افرادی را که به واسطه شرایط مالی خوبی که دارند به سمت ورزش می‌کشاند آندکی دقیق‌تر رصد کند، دیگر هیچ پولداری با نیت استفاده‌های شوم از ورزش به این سمت و سوی نمی‌آید. نیت‌هایی که مثل جاده یکطرفه، تنها اهداف یک سمت ماجرا را بر آورده می‌کند و برای سمت دیگر، جز ضرر و زیان چیزی به دنبال ندارد؛ ضرر و زبانی که گاه مالی، گاه روحی، روانی و گاه حتی اعتباری است! البته ورود این افراد به ورزش از طرق مختلف است و همیشه هم با این‌زنی‌ها نامتعارف صورت نمی‌گیرد. گاه اسپانسرینگ کاروان‌های اعزامی ایران، پرداخت پاشش از هزینه‌های شخصی به قهرمانان و مدال‌آوران یا حتی پرداخت مطالبات بازیکنان یک تیم خاص و حتی وعده صاف کردن بدهی‌های یک تیم و شاکیان آن و خرید امتیاز یک تیم که می‌تواند پای این افراد را به ورزش بسازد. افرادی که با وعده‌های فریبنده می‌آیند و پولی نمی‌کند که برده از خواسته‌های نامعقول خود در ازای هر ریالی که خرج کرده‌اند بازشته و واقعیت وجودی‌شان را به رخ می‌کشند، اما بدون نیت نظارت نهادهای نظارتی و بررسی سوابق این افراد سودجو و فرصت‌طلب و عشق‌شهرتی می‌توانند دست آنها را رو کرده و ورزش را از وجود آنها و نیت شومی که در سر دارند، محافظت کنند. نظارتی که طی سال‌های اخیر آنچنان که باید نبوده و باعث شده پای این عده به ورزش باز شود. افرادی که با وعده‌های فریبنده آمده بودند، امروز با پشت میله‌های زندان هستند یا سابقه‌هایی اینچنینی دارند، یا تحت پیگرد کشوری گریخته‌اند یا شرایطی مشابه دارند که هیچ‌یک زنجی‌جالب نیست. بدترین قسمت ماجرا ردپایی است که از خود به جای گذاشته‌اند؛ اثرات مخربی که بی‌اعتمادی، بازاری با احساسات مردم و... تنها جزء کوچکی از آن است.!

**فوتبال اروپا در تسخیر ثروتمندان آسیایی**

### سود اقتصادی یا پیگیری اهداف سیاسی

۲۹۸ میلیون پوند پاری‌سن ژرمن فرانسه را خرید، تیمی که برای بزرگی در فوتبال اروپا بی‌محابا خرج می‌کند و آخرین خرید آنها هم تیمار برزیلی ۲۲۲ میلیون یورویی است.

■ **باز هم چین وارد می‌شود**

فوتبال فوتبال تاجا و مسئله‌ای بود که تا همین سال‌های پای چینی‌ها به آن باز نشده بود. چشم‌پاندی‌های سرزمین‌آزدها در هر عرصه‌ای وارد شده بودند و جایی از جهان را دست نخورده نگذاشته بودند!ا فوتبال، تا اینکه به این مقوله هم وارد شدند، هدفشان هم تقویت و محبوب شدن فوتبال در کشورشان بود. لی بانگ هونگ با پرداخت ۷۴۰ میلیون یورو باشگاه بزرگ آتمیلان را خرید، ۲۰۹ میلیون یورو هم برای خرید بازیکن خرج کرد تا میلان بحران‌زده و زمین خورده را اسر یا کند اما اینکه موفق می‌شود یا نه باید به انتظار نشست و دید.

■ **این همه خرج برای چیست؟**

اما این‌س همه خرج و این همه ریخت و باش برای چیست و چرا آسیایی‌ها و به ویژه اعراب تا این حد خود را مشتاق مالکیت باشگاه‌های بزرگ فوتبال نشان می‌دهند؟ بهترین پاسخ به این پرسش‌را جیمز مونتاگیسو، محقق و نویسنده ورزشی انگلیسی و مؤلف کتاب باشگاه میلیارد درها می‌دهد. او می‌گوید: «کشورهایی مثل قطر، امارات و حتی چین از این سرمایه‌گذاری به دنبال رسیدن به اهداف سیاسی، اجتماعی و استراتژیک هستند.» مونتاگیسو ادامه می‌دهد: «در مورد مالکان امریکایی و روسی دلایل کاملاً مشخص است. آنها دنبال سود هستند، اما وقتی در مورد مالکان آسیایی حرف می‌زنیم، داستان متفاوت است. آنها دقیقاً دنبال اهداف سیاسی هستند. تردیدی نیست که پاری‌سن ژرمن ایزار تبلیغاتی‌تر است، اما قطر است، آنها برای رسیدن به این هدف با سار کوزوی و پلاتینی دیدار کردند و حتی برای گرفتن میزبانی جام جهانی نیز با آنها لابی کردند. قطری‌ها وقتی در رابطه با عربستان و امارات به دنبال مشکل شدند با خرید تیمار سعی در برگرداندن اوضاع به سود خود داشتند. در مورد اماراتی‌ها هم همین‌طور است. شیخ منصور مالک منچستر سیتی به خوبی توانسته با مالکیت، هدایت و خرج کردن فوتبال اروپا سر برآوردند. اولی‌عاصم‌علام مصری بود که در سال ۲۰۱۰ با تزریق ۳۶ میلیون پوند به باشگاه و به انحلال‌عاصم علام، مانع از فروپاشی آن شد. بعد از حال سلی، شیخ عبدالله ثانی قطری بود که در همان سال با پرداخت ۳۶ میلیون یورو مالانگارا به مالکیت خود درآورد. اما وچ کار را ناصر الخلیفی قطری انجام داد. وقتی در سال ۲۰۱۲ با مبلغی معادل

**حاشیه**
**فریدون حسن**
**حضور ثروتمندان**
**توسیلار**
**در** **ها** **در** **میلان** **در** **دنیا**
**مستله‌ای** **نیست** **که** **مربوط** **به** **چند** **سال** **اخیر** **باشد**. **ساره‌هاست** **که** **متمولان** **روس** **و** **امریکایی** **سعی** **دارند** **تا** **با** **به** **دست** **گرفتن** **مالکیت** **تیم‌های** **بزرگ** **فوتبال** **جهان**، **علاقت** **قدرت** **خود** **را** **به** **دیگران** **دیکنه** **کنند**. **اما** **اگر** **تا** **همین** **چند** **سال** **گذشته** **رومن** **ابراموویچ** **و** **جان** **دبلیو هنری** **ها**

حضور ثروتمندان توسیلار در ها در میلان در دنیا مسئله‌ای نیست که مربوط به چند سال اخیر باشد. ساره‌هاست که متمولان روس و امریکایی سعی دارند تا با به دست گرفتن مالکیت تیم‌های بزرگ فوتبال جهان، علاقت قدرت خود را به دیگران دیکنه کنند. اما اگر تا همین چند سال گذشته رومن ابراموویچ‌ها جان دبلیو هنری‌ها



فوتبال دنسار را با پول‌های هنگفت خود تحت تأثیر قرار می‌دادند امروز ثروتمندان آسیایی تقریباً گوی سبقت را از آنها ربوده‌اند. حرکتی که علاوه بر استفاده‌های سیاسی و اقتصادی، جای‌جا شدن میلیارد‌دها پول، اهداف سیاسی، اجتماعی و استراتژیک هستند.» مونتاگیسو ادامه می‌دهد: «در مورد مالکان امریکایی و روسی دلایل کاملاً مشخص است. آنها دنبال سود هستند، اما وقتی در مورد مالکان آسیایی حرف می‌زنیم، داستان متفاوت است. آنها دقیقاً دنبال اهداف سیاسی هستند. تردیدی نیست که پاری‌سن ژرمن ایزار تبلیغاتی‌تر است، اما قطر است، آنها برای رسیدن به این هدف با سار کوزوی و پلاتینی دیدار کردند و حتی برای گرفتن میزبانی جام جهانی نیز با آنها لابی کردند. قطری‌ها وقتی در رابطه با عربستان و امارات به دنبال مشکل شدند با خرید تیمار سعی در برگرداندن اوضاع به سود خود داشتند. در مورد اماراتی‌ها هم همین‌طور است. شیخ منصور مالک منچستر سیتی به خوبی توانسته با مالکیت، هدایت و خرج کردن فوتبال اروپا سر برآوردند. اولی‌عاصم‌علام مصری بود که در سال ۲۰۱۰ با تزریق ۳۶ میلیون پوند به باشگاه و به انحلال‌عاصم علام، مانع از فروپاشی آن شد. بعد از حال سلی، شیخ عبدالله ثانی قطری بود که در همان سال با پرداخت ۳۶ میلیون یورو مالانگارا به مالکیت خود درآورد. اما وچ کار را ناصر الخلیفی قطری انجام داد. وقتی در سال ۲۰۱۲ با مبلغی معادل

■ **بقیه هم عقب نمانند**

دو سال بعد از خرید منچستر سیتی توسط شیخ منصور، دو عرب متمول دیگر هم در فوتبال اروپا سر برآوردند. اولی‌عاصم‌علام مصری بود که در سال ۲۰۱۰ با تزریق ۳۶ میلیون پوند به باشگاه و به انحلال‌عاصم علام، مانع از فروپاشی آن شد. بعد از حال سلی، شیخ عبدالله ثانی قطری بود که در همان سال با پرداخت ۳۶ میلیون یورو مالانگارا به مالکیت خود درآورد. اما وچ کار را ناصر الخلیفی قطری انجام داد. وقتی در سال ۲۰۱۲ با مبلغی معادل